

به بینند يك چنین قدم جدی برای تعدیل بودجه مملکت از طرف مجلس برداشته شده بردارد و زیاده بر این قائل بتأخیر نشود.

رئیس - عده برای مذاکرات کافی نیست
سردار معظم - آقایان رفتای ما که در خارج مشغول مذاکره هستند خیال ندارند تشریف بیاورند؟

رئیس - همچو معلوم می شود، پس جلسه را ختم می کنیم.
محمد هاشم میرزا - بالطبع ختم هست. ماندن ما نتیجه ندارد.

رئیس - بلی جلسه را ختم می کنیم ولی قبلاً بنده باید عرض کنم که دیگر باین مجلس نخواهم آمد مجلسی که باین ترتیب اداره شود و ده دوازده نفر بخواهند ببل خودشان حقوق مملکت را معوق بگذارند من در آن مجلس حاضر نمی شوم و همین حالا استعفای خود را خدمت آقایان تقدیم میدارم که برای خودتان بکنفر دیگر را انتخاب کنید.

(آقای رئیس حرکت فرموده خارج شدند)
سردار معظم - آقایان تبریک عرض میکنم مجلس دوره چهارم هم تعطیل شد
(مجلس تقریباً چهار ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک
صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و چهارم جلدی ۱۳۰۰ مطابق شانزدهم جمادی الاولی ۱۳۴۰
مجلس مقارن غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

رئیس - نظر بنمایشی که دیشب از طرف چند نفر از آقایان در اینجا داده شده بنده مجبور شدم یاره اظهارات بکنم این عرایض بنده مبنی بر خود پسندی و خود خواهی نبود زیرا بنده شأن خودم را در شأن مجلس دانسته و اگر چنین داشته باشم این را از یرتو حیثیت مجلس میدانم و چون مجلس شورای ملی مرکز ثقل این مملکت و مطمح نظر تمام علاقه مندان باین آب و خاک است از طرف جمعیت صحیح است و بواسطه آنکه امروز همه نوع حوادث از اطراف متوجه این مملکت است عقیده بقدر این است که مجلس باید با کمال متانت و فشغول کار باشد و از جزئیات صرف نظر کند و بسااست که برای وقایه و حفظ حقوق مملکت نسبت بکلیات هم باید غمض عین نماید این بود که بنده بر خلاف اراده خودم مجبور شدم آن اظهارات را بنمایم نظرم این بود که اگر مجلس شورای ملی عوض متانت و رعایت ترتیباتی که عرض کردم آلت معطله باشد حضور بنده نشستن در این صندلی نیز بلا ثمر و نتیجه خواهد بود ولی چون جمعی از آقایان که از طرف دیگران هم وکالت داشتند امروز صبح با بنده مذاکراتی کردند.....

سردار معظم - از طرف عموم نمایندگان وکالت داشتند

رئیس - باین نظر و باطمینان اینکه در

اگر يك اختلاف دیگر را مرتفع کنیم که دیگر اختلافی باقی نباشد. آقای تدین عقیده دارند و همینطور آقای سلیمان میرزا بطور غیر مستقیم اشاره فرمودند که ممکن است در ظرف يك هفته بودجه جزء جمع وزارتخانه ها را به مجلس آورد و نباید بطور اقلام درشت بودجه را تصویب کرد اگر بنده بایشان ثابت کنم که در يك هفته و دو هفته و سه هفته و چهار هفته هم نمیتوان اینکار را کرد قهرآباید آمدیم و آرزوی ما اینست که آقای تدین و رفقای ایشان هم با ما موافقت خواهند کرد اولاً تقدیم بودجه از طرف دولت یعنی بودجه خرج باین زودی ممکن نیست بعلاوه وقتی این چهل و پنج روز را تقسیم کنیم بجلسات کمیسیون هیجده جلسه می شود و این هیجده جلسه که از سه ساعت بظهور مانده تا ظاهر متعقد میشود ممکن نیست در این مدت بودجه قطعی جزء وزارتخانه ها را تصویب کرد و بمجلس آورد که در مجلس هم تصویب شود و بآنها اعتبار قانونی داد.

بنا بر این موافق اشاره کدر موضوع روزی هفت هزار تومان شده است اگر امروز این راپورت را تصویب نکنیم آیا می دانید در ظرف این چهل و پنج روزه چقدر از خزانه این مملکت خارج میشود؟ تقریباً سیصد و پانزده هزار تومان میشود همان سیصد و پانزده هزار تومانی که دولت مسا و شما برای دوپست هزار تومانش این در و آن در میزند و کسی بساو قرض نمی دهد.

در يك همچو مملکتی گمان میکنم مجلس شورای ملی حق نداشته باشد بحرفهای افواهی و برای تفنن منتظر شود بودجه جزء بیاید و در ضمن سیصد و پانزده هزار تومان باین مملکت ضرر بخورد.

بنده گمان میکنم مجلس شورای ملی نتواند این کار را بکند بنابراین بهترین شقی که مجلس شورای ملی میتواند اتخاذ کند و داخل در عمل شود همین طریقی است که کمیسیون بودجه اتخاذ کرده است و آن اینست که ماخذی از عایدات تقریبی که غلط هم هست (تکرار میکنم) و آن عایدات را اقل عایدات ممکن است تصور کرد در نظر بگیرند و بوزراء بطور اقلام درشت اعتبار بدهند برای اینکه وزراء بدانند خارج از آن عدد حق خرج کردن را ندارند که بالنتیجه پنج کرو صر فیه جوئی در مجلس چهارم شده باشد.

در مرحله دوم بوزراء مأموریت داده شود که در حدود اعتبارات تصویب شده بروند بودجه های خودشان را تهیه نموده بمجلس بیاورند و آنوقت مایس از مطمئن شدن از اول خرجی و تقریباً با همفکری آقای تدین و آقایان همکاران مخالف خودمان می نشینیم و داخل در بودجه های جزء خرج می شویم و هیچ مانعی نیست که ما را الزام کند باینکه در تعیین اقلام جزء بودجه های خرج دقت کاملی که در خور يك همچو کار مهمی است بعمل نیاید.

بنابر این بنده که مخبر کمیسیون بودجه هستم چون معتقد بماده ۶۳ نظامنامه هستم زیاده بر این عرض نمی کنم همینقدر از مجلس شورای ملی تقاضا می کنم يك قدم ملی که همه عقلای ایران به پسندند و در تمام دنیا هم

يك مرتبه بمجلس بیاورند و مجلس تصویب کند ما حالا صرف نظر کردیم از اینکه بودجه جزء جمع را بیاورند در اینصورت گویا دیگر اشکال نداشته باشد که محتاج باشیم چهل و پنج روز خودمان را معطل کنیم و اختیار با آقایان وزراء بدهیم که بروند در این مدت بودجه جزء خرج تهیه کنند زمینهایش حاضر است و در يك هفته ممکن است حاضر شود بعلاوه اصولاً اعتباراتی که اینجا قائل شده اند نمیدانم صورت مقاطعه است.

بکصورت چکی است. (به بخشید تعبیر اینطور شد) يك اشکال دیگر پیدا میشود که اگر امروز پیش بینی نکنیم پس از چهل و پنج روز چهار آن اشکال میشود و آن اینست که من اعتباراتی که بوزارتخانه ها داده شده است و تشکیلاتی را که میخواهند بدهند آیا در نظر دارند که ادارات و ورسای وزارتخانه ها را متعدد الشکل بکنند یا خیر مثل امروزه رئیس فلان اداره یا فلان وزارتخانه در ماه دوپست و پنجاه تومان یا زیاد تر حقوق بگیرد و رئیس فلان اداره صد تومان این يك مسئله است که در تعدیل بودجه باید رعایت شود بجهت اینکه هیچ دلیل ندارد که رئیس يك اداره از اداره دیگر حقوقش کمتر باشد.

البته اگر کارش زیاد تر باشد باید يك ملاحظه بشود بهر حال تا کنون این عیب در بودجه خرج مملکت ما موجود بوده و باین جهت هر وزارتخانه که حقوق روسا و مدیرانش زیاد تر است بیشتر محل تهاجم است بلکه این رعایت در باره عدلیه تصور میکنم بهیچوجه نسبت بسایر ادارات و وزارتخانه ها نشده و چون نمیخواهم داخل این موضوعات شوم بعد در موارد خودش عرض خواهم کرد.

ملاحظه میفرمائید رئیس بدایت یا استیناف یا قلان اداره یا روسای سایر ادارات خیلی متفاوت است و بهیچوجه تناسب حقوقی ندارد پس باید این موضوع هم قبلاً در بودجه پیش بینی شود و بالاخره برای اینکه از حدود نظامنامه خارج نشده باشم خیلی مختصراً عرض میکنم که بنده هم با راپورت کمیسیون مخالفم.

سردار معظم مخبر کمیسیون - بنده خیلی خوشوقتیم که همکاران محترم من که بار راپورت کمیسیون بودجه مخالفند يك قدم بطرف مقصود برداشتند و در حقیقت با برداشتن این قدم کار ما را سهلتر کردند و آن اینست که مطابق بیانی که آقای تدین فرمودند خودشان معترف شدند که باید از تعیین عایدات قطعی و کنجاندن آن عایدات در بودجه صرف نظر کنند.

چون خودشان میدانند در يك مملکتی که انتظامات اداری ناقص است هر کس مدعی شود در ظرف دو هفته ممکن است عایدات مملکت را بطور قطع معین کرد و مدارك قطعی بودجه قرار داد دور از عمل است بنابراین يك قسمت از اشکالات ما مرتفع شد. پس در باب عایدات دیگر حرف نخواهم زد مخصوصاً شرح مفصلی هم در اینجا آقایان بیان کردند و معین شد عایدات سته گذشته از نقطه نظر تصویب قطعی عایدات نبوده بلکه از نظر تعیین مأخذ تقریبی بوده که آنهم از نقطه نظر اقل عایدات بوده است

آتی این قبیل حوادث و حرکات تکرار نخواهد شد بنده حاضر شدم کما فی السابق خدمت گذاری مجلس شورای ملی را قبول کنم و امیدوار هستم آقایان نمایندگان هم بهمان اطمینانات و اظهاراتی که در مجلس خصوصی کردند باقی بماند (از طرف نمایندگان)

(صحیح است)

آقای میرزا ابراهیم خان ملک آرائی - صورت مجلس یوم شنبه بیست و سوم جنی راقرائت نمودند (

رئیس - از آقایان کسی نسبت بصورت مجلس اعتراض دارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد دستور امروز بقیه مذاکرات در راپورت کمیسیون بودجه بود ولی اخیراً به بنده اطلاع رسید که پیشنهاد جدیدی از طرف دولت نسبت به بودجه معارف رسید و یک ضمیمه نسبت بر راپورت کمیسیون بودجه در شرف تهیه است باین لحاظ امروز نمیتوان مطرح شود و راپورت کمیسیون بودجه برای جلسه روز سه شنبه خواهد ماند بالفعل و چیزی که موجود است و ممکن است جزء دستور گذارده شود قانون شورای عالی معارف است اگر مخالفی نباشد جزء دستور واقع شود مخالفی نیست؟

(گفته شد خیر)

رئیس - مذاکرات در کلیات قانون است نسبت به کلیات کسی اجازه نمیخواهد؟ **محمد هاشم میرزا** - چون قبلاً جزو دستور نبود وغالب آقایان اطلاع پیدا نکرده اند گمان می-کنم برخلاف بعضی چیزها که سابق خوانده نمیشد بایستی خوانده شود.

رئیس - مذاکرات در کلیات است وقتی داخل در مواد شدیم قرائت می شود و اگر نسخه آنرا نداریم بشما خواهند داد در کلیات کسی اجازه نمی خواهد؟

(اظهاری شد)

رئیس - پس رأی می گیریم داخل در شور مواد بشویم یا نه آقایانی که داخل شدن در شور مواد تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت می شود.

(آقای میرزا ابراهیم خان ملک آرائی بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده اول - برای توسعه دوائر علوم و اشاعه معارف و فنون و رفع نقایص تحصیلات علمی و فنی شورای عالی معارف تشکیل می گردد و شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید.

رئیس - نسبت به ماده اول ابرادای

هست ؟

آقای حاج شیخ اسد الله (اجازه نطق)
حاج شیخ اسد الله - در این قانون نوشته شده شعب شورای عالی معارف در ایالات و ولایات تأسیس می شود اما مطابق قانون مخصوص یعنی چه آنها مطابق ترتیب همین قانون که نوشته شده است تأسیس می شود و انتخابات و اختیارات نشان همینطور است که اینچون نوشته شده یا اینکه خیر برای ایالات و ولایات قانون دیگری می خواهند وضع کنند خوب است آقای مخبر توضیح بفرمایند

تدین مخبر کمیسیون معارف - اگر بوظایفی که برای شورای عالی معارف در این لایحه معین شده مراجعه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که شورای عالی معارف وظایف مخصوصی دارد مثلاً یکی از وظایف شورای عالی تهیه پرگرام های مدارس است نسبت بتمام ایران و البته نمیشد این حق را به ایالات و ولایات تقسیم کرد و می گوئیم هر نقطه ذی حق خواهد بود پروگرام مخصوص از برای مدارس خود تهیه نماید.

یکی دیگر از وظایفی که در اینجا قید شده تعیین کتبی است که برای کلاس ها نوشته شده و تطبیق آنها با پروگرام رسمی وزارت معارف و هم چنین سایر وظایف که اگر آقایان مراجعه فرمایند عرایض بنده را تصدیق خواهند کرد باین ملاحظه چون وظایف شورا های ایالتی و ولایتی با شورای مرکزی فرق پیدا میکنند در نظر گرفته شد که راجع به آنها لایحه مخصوصی از طرف وزارت معارف پیشنهاد شود و البته در آنجا وظایف مخصوصی برای شورای معارف ایالات و ولایات تعیین می شود همچنین است طرز انتخابات آنها مثلاً در مرکز تعیین شده است که انتخابات با وزیر معارف است ممکن است برای اعضاء شورای معارف ولایات این قید نباشد و در تحت نظر رئیس معارف محلی باشد یا اینکه بطور انتخابی با ترتیبات دیگر باشد

علی ای حال چون از حیث وظایف با هم اختلاف دارند تصمیم گرفته شد که لایحه مخصوص راجع بشورای معارف ایالات و ولایات

تأییداً از طرف وزیر معارف بمجلس پیشنهاد شود و برای اینکه ممکن بود این مسئله تعویق بیفتد با هلاقه مندی که کمیسیون با امور معارف داشت لازم دانست در این قانون شورای عالی معارف ذکری از شورا های ایالتی و ولایتی بشود تا بعد همانطور که وزیر معارف وعده داده اند قانون مخصوصی تقدیم دارند.

رئیس - دیگر اعتراضی نیست

حاج شیخ اسد الله - اگر بنده تصور میکردم مخبر این توضیحات را می دهند در کلیات مخالف می-شدم شورای عالی معارف باید تشکیل شود در ایالات و ولایات نیز شعبه داشته باشد شورای عالی معارف مرکزی یک وظایف مخصوصی دارد و یک وظایف

عمومی که ممکن است شورا های معارف ایالات و ولایات هم دارای آن اختیارات باشد از قبیل توسعه و تکمیل وسایل تحصیلات ابتدائی و اجباری و تأسیس مدارس فلاحتی و صنعتی و غیر اینها ممکن است شورای عالی معارف هم در مرکز این اختیارات را داشته باشد و هم در ایالات و ولایات بنابراین ممکن بود در ذیل همین قانون که نوشته میشود آن اختیارات را تفکیک کنند و وظایف شورای عالی معارف ایالات و ولایات و طرز انتخابات آنها را هم تعیین کنند و در تحت یک موادی بمجلس بیاورند که دیگر محتاج نباشیم برای شورای عالی معارف ایالات و ولایات مثلاً ده قانون به مجلس شورای ملی بیاوریم و در ضمن همین یک قانون ممکن بود اختیارات و وظایف شورای معارف ایالات و ولایات معین شده و از برای هر ایالت و ولایت مجبور نشویم یک قانون مخصوصی تهیه کنیم.

بنده اینطور صلاح میدانم و باید تمام در تحت یک قانون باشد منتهی اختیارات آنها تفکیک شود و برای هر کدام یک قانون مخصوصی ایجاد نشود

مخبر کمیسیون معارف - در همین قسمت در کمیسیون با آقای وزیر معارف مذاکره شد و ایشان اظهار کردند لایحه مخصوصی در این باب تهیه کنیم و به مجلس پیشنهاد نمایم چون لایحه مخصوصی تهیه نکرده بودند و با کمیسیون هم موافقت ننمودند کمیسیون هم تصویب کرد که آن لایحه را بعد تهیه کنند و بمجلس بیاورند منافات هم ندارد وقتی آوردند و تصویب شد ممکن است جزء همین قانون و متمم همین قانون محسوب شود فقط تعدد در ورقه خواهد بود و این چندان اشکالی ندارد.

رئیس - آقای سلیمان میرزا مخالفید

سلیمان میرزا - خیر موافقم

رئیس - دیگر مخالف نیست

سردار معظم - بنده توضیحی میخواهم

رئیس - بفرمائید

سردار معظم - بنده اساساً هم با لایحه وزیر موافق هستم و هم با راپورت کمیسیون به لایحه وزیر زیادتر عقیده دارم و عقیده ندارم که حتماً بگوئیم شورای عالی معارف در تمام ولایات تأسیس شود بنده عقیده ام اینست که ابتداء در مرکز تأسیس شده و بعد باختیار شورای عالی معارف گذاشتند که اگر مقتضی بدانند از ولایات هم شعبه تأسیس کند ولی این مقصود بنده راقسمت اخیر این ماده تأیید نمیکند زیرا که میگوید (و سلب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید) قسمت اول این عبارت دایر شدن آنرا حتمی میکند در صورتیکه موکول کردن بقانون مخصوص آن مقصود را از بین میبرد در هر حال ممکن است عبارت را اصلاح بفرمایند

رئیس - پیشنهادی بکنید تا بکم کمیسیون فرستاده شود آقای سید یعقوب مخالفید

آقای سید یعقوب - بنده با فرمایش آقای

حاج شیخ اسدالله مغالتم اگر بجواب آقای مخبرفانع نشدند عرض خود را عرض خواهم کرد
رئیس - با راپورت کمیسیون موافقت
آقای سید یعقوب - بله
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله - آقای سردار معظم عقیده ندارند که در ایالات و ولایات شعب شورای عالی معارف تأسیس شود شاید هم حالانته تواند توسعه پیدا کند ولی قانون از برای مملکت نوشته میشود باید تمام ایالات و ولایات و مرکز را یک سال در نظر بگیرند و ایالات و ولایات و مرکز قوانین جداگانه بنایا، داشته باشند یک قانون که نوشته میشود باید نسبت به تمام مملکت توسعه داشته باشد منتھی اگر در ضمن عمل مقتضی ندانند معسکن است در ایالات و ولایات شعب تشکیل ندهند آن یک نظریه عملی است ولی قانون از نقطه نظر قانون گذاری باید کلی بوده و برای تمام مملکت نوشته شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)
سلیمان میرزا - بنده تعجب میکنم که صحبت ها قسم فریبی میشود مثلا گفته میشود که شعب شورای عالی معارف در ایالات و ولایات باز همان حتی را داشته باشند که شورای عالی مرکزی دارد ...

حاج شیخ اسدالله - کسی اینطور نگفته .
سلیمان میرزا - متلامهانطور که آقای مخبر فرمودند وزیر باید در مرکز رئیس شورای عالی معارف باشد بطور ممکن است این حق را به تمام ایالات و ولایات داد اگر این حق را بطور عمده به تمام ایالات و ولایات بدهیم آنوقت باید در هر یک از شورا های معارف ایالات و ولایات یک وزیر علوم و وزیر باشد اینکه نمی شود یا فرض بفرمائید مدیر کل وزارت معارف که باید در شورای عالی مرکزی عضو باشد باید در تمام شورا های معارف ایالات و ولایات باشد یا سایر ترتیبات دیگر از قبیل تطبیق کتب یا اصول پروگرام که اگر شورا های معارف ولایات پیشنهادی داشته باشند باید به مرکز بیاید زیرا چنانچه ملاحظه می - فرمائید اصول پروگرام در مرکز مرتب تر از ایالات و ولایات است بنابراین اگر نظریه اتخاذ می شود باید با اطلاع مرکز باشد .

بنده با یک قسمت نطق آقای حاج شیخ اسدالله موافقم البته قانون برای کایه مملکت باید وضع شود ولی اینکه می گویند چه لازم است قانون شورای عالی معارف چند ورق داشته باشد این مانع از این نیست که قانون شورای عالی معارف تصویب شود زیرا ماده واحده راجع به ایله از مجلس میگردد فرضاً یک ماده واحده هم وزیر معارف راجع بشورای عالی معارف ولایات پیشنهاد کند این مانع از تصدیق شورای عالی معارف نخواهد شد به علاوه اگر وزیر پیشنهاد بکند مطابق نظامنامه داخلی هر کدام از ما ممکن است چهارده نفر را با خود همراه کنیم و ۱۵ نفری یک طرح قانونی پیشنهاد کنیم در هر حال بنده امروز را یکی از بهترین

روزها می دانم زیرا در معارف صحبت میکنم و همان طور که در کلیات مخالفتی نبود باید سعی کنیم که امروز شور ازل این قانون بدون مخالفت از مجلس بگذرد و انشاءالله پنج روز دیگر شور دومش هم تمام شود و رسمیت پیدا کند تا از برای پروگرام و کتب و دروس یک ترتیبی داده شود و یک مرکز از برای معارف در مملکت پیدا شود بعد از آنکه این مرکز پیدا شود خود را اداره کرد آنوقت آقای ویرم پیشنهادهای دیگری خواهند کرد یا اینکه خود ما چون هر ۱۵ نفر حق پیشنهاد کردن را داریم ممکن است پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله را امضاء کنیم و پس از تصویب به این قانون ضمیمه شود عبارت اخری همانطور که در ضمن مذاکره راپورت کمیسیون بودجه مذاکره شد همه ما هابیک نمک معارف پروری یافته ایم حالا موقع است آن نمک را عملاً بیاشیم و زودتر این قانون را تصویب کنیم اشکالی هم ندارد پول هم لازم ندارد و انشاءالله شورای عالی معارف بزودی برقرار شود شاید یک سروصورتی بمعارف این مملکت داده شود یکی از اصولی که اسباب موافقت بنده است این است که شاید مدارس ابتدائی رو به طرف مجانی و اجباری می رود چون بنده این اصل را اصولی میدانم که اگر یک قدم به طرف آن برداریم آن ساعت حتماً معنی واقعی انتظامات و استقلال و هر چه را فرض بفرمائید دارا هستیم و یک قدمی است که برای معارف و تحصیل اجباری برداشته ایم پس سعی کنیم زودتر شورای عالی معارف تشکیل شود شاید ما را یک قدم تحصیل اجباری که ترتیب واقعی روحی اهالی است نزدیک کند زیرا امیدواری از برای این مملکت وقتی پیدا می شود که تحصیل اجباری در مملکت ما پیدا شود و در واقع ما از مدارس اجباری و مجانی بیرون بیایند آنوقت ما هم استقلال و هم انتظام سبلی از میان نخواهد برد

رئیس - مجلس مذاکرات را در ماده اول کافی میدانند یا خیر
(اغلب گفتند کافی است)
رئیس - ماده دوم قرائت می شود
(به مضمون ذیل قرائت شد)
ماده دوم - هیئت شورای عالی معارف از نه نفر عضو رسمی بشرح ذیل تشکیل میشود دو نفر از رؤسای مدارس عالی و متوسطه دو نفر از معلمین درجه اول مدارس عالی و متوسطه و ه نفر از علماء و دانشمندان مملکت

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفند
محمد هاشم میرزا - اینجا می نویسد ه نفر از علماء و دانشمندان عضو شورای عالی معارف خواهد بود آیا مقصود از دانشمندان همان ترجمه علماء است یا اینکه علماء غیر از دانشمندان می باشند و مقصود این است که علماء و دانشمندان با هم تفاوت دارند این را توضیح بفرمائید

مخبر - علماء و دانشمندان دو کلمه مترادف میباشد علماء عربی و دانشمندان فارسی است
رئیس - آقا سید یعقوب - بلی چون بنده در کمیسیون معارف بودم و در سر این مسئله مذاکرات کردیم و دهر روز طول کشید ما میگفتیم این علماء و دانشمندان دو کلمه مترادف نیستند بخصوص علماء کسانی هستند که بمعارف اسلامی و دیانت اسلامی خدمت کرده اند و باید در دارالشورای عالی معارف مدخلیت و عضویت داشته باشند تا مردم مملکت متوجه بمعارف باشند باین جهت گفتیم علماء مقصود علمای روحانی است و علماء را اخص و دانشمندان را اعم گرفتیم و گفتیم باید علماء روحانی شورای عالی معارف مدخلیت داشته باشند

مخبر - علماء اسم علم نیست بدرجه که هر گاه اطلاق کنیم یک اشخاص مخصوصی متبادر بنهن شوند ما روحانیون را وقتی بخواهیم فارسی کنیم دانشمندان میگوئیم علماء عربی است و غیر از روحانیون کسانی هم که از عموم امروزه مطلع می باشند آنها را هم علماء میتوانیم میگوئیم و هم دانشمندان و اما برای اینکه مقصود آقای آقا سید یعقوب هم بعمل آمده باشد اعم از اینکه علماء و دانشمندان را یکی بگیریم یا دو تا شرایط امضاء رسمی و افتخاری شورای عالی معارف در ماده بعد معین شده است و هر طبقه هم از روحانی و غیر روحانی که دارای شرایط باشند حق انتصاب شدن دارند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا این توضیح کافی نبود

محمد هاشم میرزا - خیر
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالف هستی

حاج شیخ اسدالله - بلی بنده یک پیشنهادی هم می خواهم بکنم باین مضمون که بعد از علماء کلمه روحانی اضافه شود و نوشته شود علمای روحانی و دانشمندان که یک جنبه روحانیت هم در معارف باشد زیرا نسبت بخبلی از موارد جنبه روحانیت هم لازم است از قبیل ملاحظه تألیفات و اجازه طبع کتب که اینها یک چیزهایی است که باید علماء روحانی در آنها دخالت داشته باشند و اگر همین عبارت (علماء و دانشمندان) از مجلس بگذرد گمان میکنم یک عبارت مجملی گذشته باشد که وزیر هر نوع بخواهد در موقع عمل تفسیر کند بنده برخلاف این هستم و مطلب باید واضح تر باشد تا وزیر وقت مجبور باشد یکی دو نفر از علماء روحانی را هم شریک بدهد که در شورای عالی معارف از علماء روحانی یکی دو نفر هم باشند

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - گمان میکنم وقتی بگسسته صحبت میشود منجر بسوء تفاهم می شود با شرایط معینه یک اشخاصی منتخب بشورای عالی معارف می شوند عالم و دانشمند هم یک لغتی است مطلق علماء روحانی عالم و دانشمند هستند
در قوانین - دینی و سایرین در علوم دیگر

دانشمند هستند و داخل شدن در اینکه این لغت مترادف است یا غیر مترادف این یک چیزی است که آکادمی باید معین کند ما آکادمی نیستیم که وضع لغت بکنیم و معنی تازه از برای لغت وضع کنیم و بگوئیم این لغت اخیراً معنایش در مجلس شورای ملی اینطور تصویب شده معنی عالم معلوم است معنی دانشمند هم معلوم است اما یک مسئله دیگری فرمودند که بنده خیلی متأثرم که گفته میشود باستی حتماً علماء روحانی باشند برای اینکه ما مدارس را به طرف اسلامیت میرویم مگر مدارس که مطابق اصول اسلامیت نبوده است تمام مملکت مسلمان و تمام قوانین مطابق قانون شرع انور است مگر این مدارس که در تمام مملکت ما هست بر طبق قوانین اسلامیت رفتار نمی نمودند گمان نمیکنم ناطق محترم همچو مقصودی داشته باشند و شاید سوء تفاهم شده در حال ه نفر از علماء اعلام از هر قسمی که باشند معین خواهند کرد البته هر کسی عالم است اعلام است حالا ه چند نفر از علماء را با مقامات عالی که دارند می خواهم در تحصیلات ابتدائی دخالت بدهیم در حالتی که تحصیلات ابتدائی که باید شاگرد الف را بصدا یا بالا یاد بگیرد جزو ترقیات مذهبی نیست یا اینکه سایر ترقیاتیکه در مدرسه هست که فارسی چطور بخوانند یا کتب شرعیه تمام معنی است توافقی نداریم که بگوئیم چون تا بعلا ترقیات مدارس توافقی داشته یا نخواسته ایم مرتب کنیم همانطور که آقای مخبر فرمودند البته وزیر وقت در نظر خواهد داشت و هر کسی را مقدم میدانند انتصاب می نماید و چون از طرف دیگر این مسئله یک وظایفی است که مجانی است و آقایان علماء مأمور سایر وظایف شرعیه هستند و معلوم نیست وقت داشته باشند تشریف بیاورند یا وقت نداشته باشند و شاید این خودش اسباب تویق بشود آنوقت اگر ما اینجا تصریح کنیم که حتماً باید چند نفر عضو از علمای روحانی باشند باید بگوئیم که آنها باید دارای چه شرایطی باشند و چه قسم علمائی باشند پس بهترین است که بطور کلی اختیار را بگذارید بدست وزیر وقت که پنجنفر را معین کند همانطوریکه برای نوع دیگر علماء شرایطی نیست برای این نوع هم شرطی نباشد و از هر نوع وزیر خواست انتصاب کند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - بله بنده نظریه توضیحی که دادند اگر لغت علماء و دانشمندان مترادف باشد باید به بینم چطور شده است که لغت ادبا در بین نیست در صورتیکه ترویج ادبیات جزو پروگرام وزارت معارف است و اگر بپذیرید یک نفر هم از ادبا باشد خوب است .

قائدین مخبر کمیسیون - اولاً راجع باین قسمتی که فرمودند چند نفر از روحانیین - برای حفظ اصول دیانت و اسلامیت باشند تا در مواقعی که کتب کلاسی تألیف می شود ملاحظه بفرمائید که یک مطالبی در آن کتب بر خلاف دیانت و مذهب اسلام نوشته نشده باشد بنده تصور میکنم اگر چنانچه بشرط

چهارم مراجعه بفرمائید وقتی این شرط درباره اعضای شورای عالی معارف منظور شد و مطابق این شرط انتصاب شدند دیگر جای هیچ نگرانی نمانی نخواهد بود برای اینکه جزو شرط چهارم است که باید معروف به فساد عقیده و سوء سابقه نباشد یعنی مسلمان باشند بعد از آنکه اعضای شورای معارف مسلمان شدند البته راضی نخواهند بود کتبی طبع شود که در آنها مطلبی مخالف دیانت باشد اما راجع به قسمتی که حضرت والا فرمودند خوب است یکی از ادبا هم قید شود بنده تصور می کنم محتاج نباشد زیرا در ماده چهارم نوشته شده است که اعضای شورای عالی معارف از نه نفر عضو رسمی تشکیل میشود که دو نفر آن از رؤسای مدارس عالی و متوسطه است و دو نفر از معلمین درجه اول مدارس عالی و متوسطه همین معلمین درجه اول مدارس عالی و متوسطه یقیناً اشخاصی خواهند بود که عالم بادیات زبان فارسی باشند و لایق باشند بوظایفی که در این لایحه نوشته شده است عمل کنند پس بعد از آنکه ما تصدیق کردیم که دو نفر از معلمین درجه اول و همچنین دو نفر از رؤسای مدارس عالی و متوسطه باشند دیگر جای هیچگونه اعتراض باقی نخواهد ماند که بگویم بکنفر هم از ادبا باشد

آقا سید یعقوب - بنده اجازه خواستم
رئیس - بلی نوبت جناب عالی رسید
بفرمائید

آقا سید یعقوب بنده می خواستم عرض کنم اینکه شاهزاده سلیمان میرزا یک کلماتی فرمودند بنده نفهمیدم آیا کدام یک از علماء بودند که پول میگرفتند کاری کردند گمان میکنم سلسله روحانیون ایران همیشه برای مردم بیشتر از همه خدمت کرده اند و می کنند پس خوب است شاهزاده نسبت به تمام روحانیت این عبارت را بفرمائید و این ملاحظه را بکنند

رئیس - اشتباه می کنید همچون چیزی نه فرمودند
آقا سید یعقوب فرمودند اعضای شورای عالی معارف بی حقوقند مگر کدام یک از علماء حقوق می گرفتند و برای ملت کار میکردند خدا ما را خلق کرده برای ملت ایران فدا کاری کنیم مایهول نمی گیریم ما مواجب نمیگیریم ما خودمان را فدای آب و خاک می کنیم ما خودمان را فدای اسلامیت دفاع کنیم این است که معارف ایران معارف اسلام و دارای مذهب جعفری است که تمام ایران دارای این عقیده هستند و باید شورای عالی معارف هم در تحت معارف اسلامی تشکیل شود تا بر ندارند بنویسند (بطوریکه اعراب می گویند محمد رسول الله است) اگر در شورای عالی معارف علماء روحانی بودند کسی جرئت نمیکرد همچو چیزی را بنویسد بنده عرض می کنم مملکت در سایه دیانت است پس آقای تدین که مخبر هستند قبول کنند که علماء و دانشمندان مترادف نیستند و لفظ هستند از برای دو معنی مراد

از علماء اشخاصی هستند که مقام روحانی را دارا هستند مراد از دانشمندان اشخاصی هستند که دارای دیپلم باشند و از فرنگ تشریف آورده باشند
رئیس گمان می کنم این دوشبب سوء تفاهم است برای اینکه شاهزاده سلیمان میرزا همی همچو اظهاری نکردند که خدای نکرده به مقام آقایان روحانیون بر بخورد و آنقدری که بنده ملتفت شدم مفاد اظهاراتشان با مفاد فرمایش جناب عالی در باطن یکی است آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی .

(اجازه)
حاج میرزا علی محمد بنده با آن کلمه رسمی که در مقابل افتخاری نوشته شده مغالتم زیرا در ماده دوم مینویسد اعضای نه نفراند چهار نفر از آنها دو نفر از معلمین و دو نفر از رؤسای مدارس هستند پنج نفر هم از غیر اعضاء معارف دو نفر هم یکی وزیر و یکی مدیر کل هستند که ذی رأی خواهند بود در اینصورت شورای عالی معارف همیشه اکثریتش با اعضاء اداره خواهد بود باین مناسبت اگر اعضاء افتخاری را جزء اعضاء رسمی بکنند یعنی یک اسم برای آنها بگذارند همه راضی رای بکنند ممکن است اکثریت با اعضاء داری باشد ولی باین طریق که ۴ اعضاء اداری باشند و دو نفر هم وزیر و مدیر کل همیشه اکثریت با اعضاء اداری خواهد بود و شورای عالی معارف همیشه طرفدار وزیر خواهد بود و بر له وزارت معارف رای می دهد بنابراین اگر آقای مخبر قبول بکنند اعضاء افتخاری را هم باید با اعضاء رسمی متساوی کنند یعنی بآنها هم حق رای بدهند .

قائدین - اگر چه یک قسمت از موادمه را آقایان این ماده دوم که محل بحث است ضمیمه کردند ولی اصولاً باید عرض کنم که شورای عالی معارف یک شورائی است که رایش قطعی نیست و مثل مجلس شورای ملی نیست که رایش قطعی باشد این یک شورائی مشورتی است و به چه وجه رایش در مقابل مسؤلیت وزیر قطعی نیست زیرا اگر رای شورای عالی معارف قطعی باشد ممکن است یک رایی بدهند که اجرای آن رای مخالف با حدود مسؤلیت وزیر باشد بنابراین این شورا یک شورای مشورتی است و رای آنها وقتی مشورتی شد فرق نمیکند که شش نفر طرفدار وزیر باشند یا طرفدار وزیر نباشند البته تا یک مشورت عادلانه که انجام خواهد یافت نتیجه را اگر چنانچه وزیر دین بعدود مسؤلیت او بر نمی خورد اجرا خواهد کرد بنابراین هیچ فرقی نمیکند که شش نفر طرفدار وزیر باشند یا هیچ فرقی نباشد به علاوه مقصود از دو نفر از معلمین و دو نفر از رؤسای مدارس عالی و متوسطه این است که یک اشخاص علمی و با تجربه در شورای عالی معارف باشند که نتیجه بهتر گرفته شود و در موضوع رای اعضاء افتخاری هم گمان میکنم مناسب نباشد برای اینکه چادای دیگر هم شورای عالی معارف بکند اعضاء افتخاری دارد و یک هده اعضاء رسمی اما اعضاء رسمی وقتی عضویت را قبول کردند در صورتی که هنر مشروع نداشته باشند

حالی معارف مفید باشد مخصوصاً با مقتضیات مملکتی بنا بر این اساساً بنده معتقدم باین که شورای عالی معارف علاوه بر اعضای رسمی برای ترویج و ترقی معارف دارای اعضای افتخاری هم باشد چون ممکن است از این راه کمک ها و مساعدتهای زیادی بمعارف بشود ولی عبارتی را که در این لایحه نوشته شده درست نمی فهمم چون عضویت افتخاری شورای معارف اجباری نیست و لازم نیست تا ه نفرحتی باشد و از ه نفر تا ۱۰ نفر بترتیب دیگری باشد باید عبارت طوری نوشته بشود که مفهومش این باشد علاوه بر اعضای رسمی تا ۱۰ نفر دیگر هم شورایی معارف می تواند عضو افتخاری داشته باشد و انتخاب آنها هم بنظر وزیر معارف باشد آنوقت ممکن است در حدود این شرایط معینه در يك دوره ۱۰ نفر پیدا کنند در يك دوره دیگر دو نفر یا هشت نفر و اگر مطابق شرایط معینه پیدا نکند هیچ معین نمیکنند بنا بر این باید عبارت اینطور اصلاح شود که شورای معارف تا ۱۰ نفر می تواند عضو افتخاری داشته باشد .

رئیس - بگمسیون معارف ارجاع می شود .
نصرت الدوله - پیشنهادهای دیگر هم ارجاع می شود .

رئیس - بلی ماده چهارم قرائت می شود .
(آقای آقامیرزا ابراهیم خان بشرح آتی قرائت نمودند)

ماده چهارم کلیه اعضای شورایی معارف باید دارای شرایط ذیل باشند ؛
اول - خدمات شایان تقدیر بمعارف مملکت نموده باشند .
دوم - اقل ۳۰ سال داشته باشند .
سوم - دارای معلومات و اطلاعات کافی بوده باشند .

چهارم - موصوف بصفت عمل و حسن سابقه و فعالیت بوده و معروف بفساد عقیده و سوء سابقه نباشند .
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)
حاج میرزا مرتضی - بنده تصور می کنم يك شرط عبده که باید در اینجا ذکر بشود نشده است و آن این است که باید شرط شود که اعضای شورایی معارف دارای مذهب اسلام باشند اگر چه مخیر محترم توضیح دادند که دارای فساد عقیده نباشند و عدم فساد عقیده را تعبیر بمذهب اسلام فرمودند ولی این لفظ را بهر طوری می شود تغییر کرد بنا بر این خوب است شرط بشود که دارای مذهب اسلام باشند .

رئیس - آقای سردار معظم مخالفید با موافق مخالف هستم .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفید یا موافق .

محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم .
رئیس - آقای محقق العلماء مخالفید؟
محقق العلماء - با فرمایش آقای حاج میرزا مرتضی مخالفم .

رئیس - پس با راپورت موافقید ؟
محقق العلماء - بلی .
رئیس - بفرمائید .

محقق العلماء - عرض میکنم بنده خیلی متأسفم که در مملکت اسلامی و جامعه اسلامی راجع بمدارس اسلامی مکرر می گویند مذهب اسلام مذهب اسلام اگر چیزی برخلاف اسلام دیده شد آنوقت باید گفت اسلام نه حالا .

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - بنده در شرط اول که نوشته شده خدمات شایان تقدیر درست نمی فهمم خدمات شایان تقدیر یعنی چه علاوه شرط چهارم بعقیده بنده خیلی کش دارد و مبهم است و هر کس بهر نحوی از انحاء بخواهد آنرا تعبیر کند میتواند بنده عقیده ام اینست شرایطی که معین میشود نباید شامل تقصیر و تبخیر باشد هر چه شرایط واضح تر و روشنتر باشد بعقیده بنده بهتر است حالا خود بنده نمیدانم چه شرایطی پیشنهاد کنم ولی البته باید در خود کمیسیون زیاد تردد این قبیل مسائل دقت بشود زیرا شرط اول و چهارم قدری کش دار است و کش داشتن این شرایط ممکن است بر حسب جریانهای خاص که در وزارتخانهها و در ادارات هست يك عده را بواسطه متوسل شدن بهمین شرایط از عضویت در شورای عالی معارف محروم کند و این محرومیت غلط است بنا بر این خوب است کمیسیون اعضای خود را دعوت بکنند و تجدید نظر در این شرایط بکنند و شرایط واضحتری پیشنهاد کنند بعقیده بنده اینطور بهتر است .

مخیر - بنده هیچ مخالف نیستم - اگر آقایان پیشنهادی بنظرشان میرسد کتباً بدهند به کمیسیون یا موقعی که کمیسیون تشکیل میشود خودشان تشریف بیاورند و مذاکره کنند .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - اگر آقای مخیر قبول میکنند به کمیسیون برگردد بنده عرض کنم رادر کمیسیون عرض کنم .

رئیس - چرا برگردید به کمیسیون شور دوم که نیست شور اول است اگر پیشنهادی دارید بنویسید به کمیسیون فرستاده نشود
محمد هاشم میرزا - بسیار خوب پیشنهاد میکنم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده تصور میکنم که آقای محقق العلماء در این مدتی که در تهران زندگانی کرده اند احاطه بوضعیات این شهر پیدا کرده اند گویا آقا ترتیب مدرسه آمریکائی و ایانسرا در این شهر نمیدانند بنا بر این اگر ما این شرایط را ملحوظ داریم بهیچ وجه ضرری نخواهد داشت کلمه اسلامیت در این امور هیچ ضرری بدستگاه کسی وارد نمیسازد برای اینکه واقعه که پریروز در انبار واقع شد تکرار نشود

رئیس - گفته شد اگر پیشنهادی دارید بنویسید تا به کمیسیون فرستاده شود گمان میکنم دیگر لازم باین مذاکرات نباشد آقایان مذاکرات را در ماده ۴ کافی نمیدانند .

(بعضی گفتند کافی است)
رئیس - ماده پنجم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

وزیر معارف اعضای رسمی و افتخاری شورای عالی معارف را برای مدت چهار سال انتخاب نموده بموجب فرمان های یونی رسمیت خواهد داد .

رئیس - نسبت بماده پنجم کسی اعتراضی ندارد آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده پیشنهادی کردم خوب است اجازه فرمائید قرائت شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده پنجم و دهم حذف شود مواد ذیل نوشته شود (حائری زاده)

۱ - اعضای شورای عالی معارف را وزیر برای مدت شش سال انتخاب خواهد نمود

۲ - دو سال یکدفعه ثلث اعضای شورای عالی معارف از کارکناره نموده عوض آنها انتخاب می شود در انتخاب اول و دوم بحکم قرعه ثلث خارج شده در انتخابات بعد عضویکه شش سال خدمت نموده از کارکناره نموده عوض را وزیر انتخاب خواهد نمود .

۳ - اعضای سابق قابل انتخاب خواهند بود
مخیر - این پیشنهاد از طرف کیست
رئیس - راجع به آقای حائری زاده است

(خطاب به حائری زاده) اگر توضیحی دارید بفرمائید
مخیر - آقای حائری زاده خودشان عضو کمیسیون معارف میباشد در کمیسیون هم این پیشنهاد را فرمودند ولی اعضای کمیسیون این پیشنهاد را رد کردند .

حائری زاده - يك نقطه نظر بنده از تقدیم این پیشنهاد منحل شدن شورای عالی معارف است نظر دیگری هم هست و آن این است که همیشه اکثریت اعضای در شورای عالی معارف حضور داشته باشند با ترتیبی که کمیسیون اتخاذ نموده ممکن است پس از منحل شدن شورای عالی معارف سابق اعضای جدید نظریه دیگری داشته باشند و بخواهند پروگرام مدارس را هر روز تغییر و تبدیل دهند بنا بر این بنده عقیده دارم اگر این اصل را که پیشنهاد کرده ام اتخاذ شود همیشه اکثریت اعضای باقی خواهد بود و پروگرام مدارس ما دیرتر تغییر میکند و بیشتر می توانیم به پیشرفت امور معارف اطمینان داشته باشیم

رئیس - بسیار خوب این پیشنهاد هم ارجاع به کمیسیون میشود ماده ششم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

وزیر معارف رئیس رسمی شورای عالی معارف و مدیر کل وزارت معارف بالطبع عضویت خواهد داشت .

رئیس - آقای شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بموجب این راپورت مدیر کل وزارت معارف هم در شورای عالی عضویت دارد در صورتی که معلوم نیست مدیر کل در شورای عالی دارای رأی خواهد بود یا نه و یا اینکه وزارت معارف دارای مدیر کل خواهد بود یا نه زیرا هنوز تشکیلات وزارت معلوم نیست بعضی از نمایندگان قانون تشکیلات معارف از مجلس گذشته است

حاج شیخ اسدالله - بسیار خوب اگر قانون تشکیلات معارف از مجلس گذشته باشد حرفی ندارم ولی آیا آراء وزیر و مدیر کل در امور شورای عالی مندرج خواهد داشت یا خیر؟

مخیر - موافق قانون اداری وزارت معارف که سابق مجلس تصویب کرده است وزارت معارف بعوض معاون اداری مدیر کل می باشد و اخیراً هم آقای وزیر معارف چون خواسته اند تشکیلات قانونی را تعقیب کرده باشند

يك نفر مدیر کل برای وزارتخانه معرفی کرده اند و قانون این مسئله را تفریح کرده است در هر حال چون مدیر کل از کلیه امور معارفی مرکز و ایالات و ولایات اطلاعاتی دارند

لذا در شورای عالی معارف هم عضو می باشند و این عضویت هم عضویت وضعی است نه شخصی یعنی هر کس که مدیر کل وزارت معارف باشد عضو شورای عالی هم است و بعد از آنکه آن شخص از کار خود منصرف شد دیگری بعوض او معین خواهد شد عضو خواهد بود

حاج شیخ اسدالله - دارای رأی خواهد بود یا نه؟

مخیر - بلی صاحب رأی هم است
رئیس - آقای نصرت الدوله اجازه
نصرت الدوله - بنده با این ماده مخالفم لکن می خواهم يك تذکری به آقای مخیر بدهم که شاید موافقت قیامین حاصل شود

ماده نهم این قانون برای شورای عالی معارف يك دارالانشاء دائمی قائل می شود بنده از نقطه نظر وام و ثبات و از نظر اینکه رشته کارهای معارف يك نوع مرکزیت پیدا کند و متصل بواسطه تغییر کابینهها در معارف تغییراتی حاصل نشود و چون بعضی اینک کابینه تغییر کرد وزیر می آید مدیر کل را بر می دارد و دیگری را بجای او می گذارد خواستم سؤال کنم آیا ممکن است کمیسیون با وزیر معارف توافق نظری حاصل نموده و چنین قرارداد دهند که کلیتاً رئیس این دارالانشاء همان مدیر کل بوده و در شورای عالی هم عضویت داشته باشد و صاحب رأی هم باشد یا غیر تا در حقیقت هم وزارت معارف يك مدیر کلی پیدا نماید که بواسطه بقای خودش کلیه امور معارفی را در دور خود تمرکز داده و اطلاعات کامل حاصل نماید و هم در شورای عالی معارف يك عضو ثابتی باشد و همان عضو ریاست دارالانشاء را هم عهده دار باشد

گمان میکنم اگر کمیسیون چنین توافق نظری

با آقای وزیر معارف حاصل کند بسیار خوب خواهد بود حالا اگر آقای مخیر توضیحی دارند بفرمائید تا بنده پیشنهادی که خواهم کرد از روی بصیرت و مطالعه باشد .

مخیر - اولاً راجع بتزلزل مقام مدیر کل باید دانست مقام مدیر کل و سایر روسا و مدیران موقعی ثابت خواهد بود که يك قانون استخدامی وضع شود تا وزیر حق داشته باشد بدون جهت يك رئیس اداره را منقصل نماید و اما اینکه می فرمایند مدیر دارالانشاء و مدیر کل معارف یکی باشد

این موضوعی است که باید پیشنهاد بفرمائید ولی گمان نمی کنم از نقطه نظر عمل و کار این پیشنهاد عملی باشد

زیرا کارهای دارالانشاء شورای عالی معارف البته زیاد خواهد بود و کارهای اداری وزارتخانه هم البته بسیار است با این حال ممکن است این دو مشغله با یکدیگر مزاحمت پیدا نماید و يك نفر از عهده هر دو کار بر نیاید و تصور میکنم این پیشنهاد حضرت والا هم از این نقطه نظر است که مدیر کل همیشه ثابت بوده و تغییر نکند

اگر این نظریه باشد ممکن است با وزیر معارف داخل مذاکره شده که مدیر کل دائمی باشدو آن البته قانون مخصوصی می خواهد ولی بطور کلی ما باید اقدامی بکنیم که مقام تمام روسای ادارات و مدیران دوائر ثابت باشد و از روی يك اصول معینی انتخاب شده و تا تقصیری که باعث عزل آنها بشود سرزنش وزیر نتواند بعمل خود تغییر و تبدیل دهد و یگانه راه حل این مسئله همان تدوین قانون استخدام است که این رویه در تمام ادارات و وزارتخانهها تعمیم یابد

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)
سردار معظم - بنده هم متأسفانه با عضویت مدیر کل در شورای معارف مخالفم لکن علت مخالفتم کاملاً نظریه شاهزاده نصرت الدوله نیست بلکه علت مخالفتم این است که میترسم در دارا بودن شرایط مذکور در ماده چهارم دچار اشکال بشویم زیرا ما برای اعضای شورای معارف شرایطی را معین میکنم که اولاً خدمات شایانی تقدیری بمعارف مملکت کرده باشند ثانیاً سی سال داشته باشند البته این شرط دومی سهل است مدیر کل میتواند این شرط را تأمین بنماید ثالثاً دارای معلومات کافی بوده و بالاخره معروف بفلان وفلان نبوده باشد عضو شورای عالی معارف بایستی دارای شرایط باشند بنا بر این ما بجز در اینکه عضویت مدیر کل را در شورای معارف معتقد شدیم باید قائل شویم که مدیر کل هم باید دارای این شرایط باشد در صورتیکه مشهودات ما اکثر مواقع برخلاف این ترتیب بوده بلی ممکن است وزیر معارف هم دارای این شرایط نباشد ولی از نقطه نظر وزارت و ریاست شورا میتواند در شورای معارف عضویت پیدا نماید و عضویت وزیر يك احترامی دارد اما میخواهم سؤال نمایم عضویت مدیر کل چه احترامی دارد مدیر کلی که حتماً مجبور نیست شرایط مدیرش را شرایط

عضویت شورای عالی معارف تطبیق نماید و هنوز برای نیابت مدیر کلی شرایطی اجرا نمیشود و قانون استخدامی در بین نیست بعین دلخواه وزیر منصوب و معزول میشود و باراده خود او را معاون پارلمانی و مدیر کل مینماید در اینصورت بنده از لزوم عضویت مدیر کل در شورای عالی معارف چیزی نمی فهمم و اگر آقای مخیر میخواهند از نقطه نظر اطلاعات اداری مدیر کل ذی دخل در شورای عالی معارف باشد پس اقلاً خوب است رئیس معارف را شرکت و عضویت بدهند از عضویت مدیر کل که باراده يك وزیر تثبیت می شود ممکن است بعد از دوسه هفته که عمر معمولی ادوار حکومتی ما است از کار منقصل شود چه استفاده میتوان تصور کرد و گمان میکنم نتیجه این خواهد بود که در این قانون از عضویت مدیر کل در شورای عالی معارف صرف نظر نمود و بعضویت وزیر که فید ملزم بدارا بودن آن شرایط است اکتفا نمائیم

مخیر - تصور میکنم این شرایط چهار گانه شامل همان اعضاء رسمی و افتخاری باشد و شامل وزیر و مدیر کل نباشد البته نظریه آقای سردار معظم هم نظریه ایست که بعدها باید راجع بآن مذاکراتی بشود ولی عضویت وزیر معارف در شورای عالی از نقطه نظر وزارت امری است طبیعی لکن عضویت مدیر کل برای اطلاعات اداری و از نقطه نظر امور معارف است و هیچ منافاتی هم ندارد و رئیس معارف و رئیس تعلیمات هم عضو شورای عالی باشند ولی باید دانست که ما برای مملکت قانون می نویسیم و بعد هم باید کوشش نمائیم این قانون بواقع اجرا و عمل بیاید بنا بر این این قانون باید بمصالح مملکتی بیشتر موافق باشد مهتدا ممکن است پیشنهاد فرمائید تا با وزیر معارف راجع بآن مذاکراتی بشود

رئیس - آقایان مذاکرات رادر این ماده کافی نمیدانند

(بعضی از نمایندگان کافی است)
فهییم الملک - بنده مخالفم
رئیس - پنج شش نفر قبل از جناب عالی اجازه خواسته اند مذاکرات کافی هست

(بطور هم همه بعضی میگفتند کافی است)
رئیس - ملتفت نمیشوم رأی میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - معلوم میشود کافی است پیشنهاد آقای سردار معظم قرائت و بکمیسیون ارجاع می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم در ماده ششم عضویت مدیر کل حذف شود

(سردار معظم)
رئیس - توضیحی که راجع باین پیشنهاد باشد نداریم

سردار معظم - خیر توضیحی ندارم ولی باز که چند کلمه توضیح سابق خود را تکمیل میکنم آقای مخیر فرمودند عضویت مدیر کل در شورای عالی بواسطه اطلاعات اداری است بنده عرض میکنم لازم بعضویت نیست وزیر معارف هر موقع اطلاعاتی

دارد و در موقع غیبت مدیر بتوسط ناظم اداره میشود و اوقات اوهم منافی با حضور در جلسات نمی باشد معذالک البته اوقات جلسات موقعی معین خواهد شد که مزاحمت با اوقات کار اعضاء نداشته باشد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت یا مخالف

حاج شیخ اسدالله - مخالف

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - پیشنهادی در این موضوع

کرده ام که ماده هفتم حذف شود زیرا بنده تصور نمی کنم وزارت معارف بتواند اعضائی پیدا نماید که افتخار او مجاناً قربه الی الله مدت چهار سال خدمت کند و بعقیده بنده با این حال هیچ وقت شورای عالی تشکیل نخواهد شد برای اینکه يك نفر را که از روی لیاقت و بصیرت برای انجام يك خدمتی معین میکنند و اوهم با کمال صداقت و جدیت خدمت خود را انجام میدهد البته باید برای او يك حقوقی معین شود

رئیس - پیشنهاد خود را بنویسید و بفرستید ارجاع بکمیسیون میشود دیگر راجع باین ماده اعتراضی نیست

(گفته شد خیر)

رئیس - اگر مجلس موافق باشد اینک جلسه را ختم می کنیم و جلسه آتیه روز ۳ شنبه دو ساعت بغروب مانده دستور بقیه شور در راپورت کمیسیون بودجه و همچنین بقیه شور در راپورت کمیسیون معارف راجع بشورای عالی معارف خواهد بود

(مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۵۹

صورت مشروح مجلس یوم سه

شنبه بیست و ششم جلی ۱۳۰۰

مطابق هیجدهم جمادی الاولی

۱۳۴۰

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست

آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .

صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و چهارم جدی را

آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی

نیست ؟

(اظهاری نقد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . دو

روز قبل که در بدو افتتاح مجلس بنده به آقایان

هرایضی کردم مطلب جدید پیش آمده بود که بنده

مطلع نبودم هر چند مایل نیستم اوقات آقایان را

بامور شخصی مصروف کنم ولی چون امر راجع بیکی

از آقایان و کلاست لازم می دانم چند کلمه عرض

کنم .

آقای آقاسید محمد صادق طباطبائی مکتوبی

به روزنامه ستاره ایران نوشته اند و در آن مکتوب

هرایضی را که بنده در جلسه قبل کرده بودم برخلاف

حقیقت وانمود کرده اند حالا روزنامه ستاره ایران هم

بخواهد ممکن است مدیر کل را احضار و از او

استفسار نماید

اقبال السلطان - اجازه میفرمائید

رئیس - بعد از آنکه رأی بکافی بودن مذاکرات

گرفته شد دیگر نمیتوان مذاکره نمود مگر اینکه راجع

پیشنهاد مذاکره داشته باشید

اقبال السلطان - اعتراض بنده راجع بماده

هفتم است

رئیس - ماده هفتم هنوز قرائت نشده قرائت

می شود بمدرراج بآن مذاکره می شود

آقای میرزا ابراهیم خان ماده هفتم را بمضمون ذیل

قرائت نمودند

عضویت شورای شورای عالی معارف بدون حقوق

خواهد بود

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - اعضائی که برای شورای

عالی معارف معین شده اند یازده نفر می باشند شش نفر

از آنها دارای حقوق و پنج نفر دیگر بدون حقوق

می باشند بنا بر این گمان میکنم نظر بهمین مسئله

اشخاصی که بی حقوق می باشند اغلب اوقات حاضر

نشده و بالتبینه جلسات شورای عالی تعطیل میشود

عقیده بنده این است که برای این پنج نفر هم حقوق

معین شود

مخبر - آن شش نفر اگر چه حقوق دارند و

موظف هستند ولی موظف بودن آن ها از نقطه نظر

عضویت شورای معارف نیست بلکه از نقطه نظر این

است که یا مدیر مدرسه یا معلم هستند و در عضویت

شورای عالی هر دو دسته برای خدمت بنوع و مجاناً

کار میکنند و حقوق اداری آنها مربوط بشورای عالی

معارف نیست

رئیس - آقای نصرت الدوله موافقت یا

مخالف

نصرت الدوله با راپورت موافقت

رئیس - آقای امین الشریعه موافقت

امین الشریعه - بلی

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - این فرمایشی را که آقای

مخبر فرمودند در صورتی مورد خواهد داشت که

جلسات شورای عالی در مواقع تعطیل معین شود والا

در مواقعی که کار دارند و جلسات منعقد می شود

در همان ساعاتی که باید بکارهای معلمی و مدبری

و غیره پردازند بکارهای شورای عالی معارف می پردازند

بنابراین حقوقی را که میگیرند از باب همان کارهای

شورای عالی معارف محسوب خواهد بود

مخبر - تصور نمیکنم اینطور که آقای اقبال-

السلطان فهمیده است درست باشد اولاً ایشان باید

بدانند معلمین درجه اول مدارس عالی و متوسطه در

تمام ساعات هستند مشغول به تعلیم نمی باشند روزی دو

ساعت و بعضی اوقات بیشتر و کمتر مشغول تدریس

می باشند بنا بر این اوقات بیکاریشان مزاحم با حضور

در شورای عالی نمی باشد و منافاتی ندارد رئیس مدرسه

بطریق اولی برای اینکه مدارس عالی و متوسطه ناظم